

## به این می گویند ستون فقرات

در قدیم وقتی می دیدند کسی پول ندارد، می گفتند ولسی ستون فقرات دارد. یعنی غیرت مند است و با چمپک های خرد و کلان زندگی از جا کنده نمی شود. البته ارباب های منطقه همیشه عاشق ستون فقرات این گونه آدمها بودند. احوال می دادند که فلانی خبر شدی که جمعی از ارباب...



## بحران امنیتی افغانستان؛ فراهم کننده شرایط برای بازخیزش تروریستان

مقام های افغان و امریکایی می گویند که بحران امنیتی افغانستان باعث فراهم شدن فرصت های جدیدی برای القاعده، دولت اسلامی و دیگر گروه های تروریستی می شود و ابراز نگرانی می کنند که ماموریت اصلی امریکا در این کشور، جلوگیری از استفاده از این کشور به عنوان یک پناهگاه تروریستی، در خطر است. در حالی که طالبان با حملات تهاجمی شدیدشان بخش های بزرگی از خاک...

صفحه 4



به منظور رشد تجارت و اقتصاد هموطنان عزیز، عزیزی بانک افتخار دارد تا قروض متوسط خویش را با مبلغ 100000 - 500000 دالر امریکایی، پیشکش نماید. هموطنان عزیز می توانند از مزایای قرضه مذکور با شرایط سهل مستفید شوند.



www.azizibank.af

1515



یادداشت روز | صفحه 2

## پل رانش کنیم

نشست وزرای خارجهی کشورهای عضو «قلب آسیا-روند استانبول» دو روز پیش در هند پایان یافت. نشستی که در آن رئیس جمهور غنی و نخست وزیر هند، نرنندرا مودی، نیز شرکت کرده بودند. مودی و غنی در سخنانشان به صورت تلویحی بر پاکستان تاختند و این کشور را محکوم به حمایت از تروریسم کردند و البته خواستند که به حمایتش از بنیادگرایان پایان دهد. در این نشست سرتاج عزیز، مشاور سیاست خارجی نخست وزیر پاکستان و جواد ظریف، وزیر خارجهی ایران نیز شرکت کرده بودند. هر دو کشور نیز به مداخله در امور داخلی افغانستان متهم اند. ایران و پاکستان در اندازه های متفاوتی به حمایت از طالبان نیز متهم شده اند. بر مبنای اسنادی که ویکی لیکس نشر کرده، ایران چه در صدور عاملان انتحاری و چه در کمک تسلیحاتی به طالبان در پاره ای از مواقع نقش داشته است. وضعیت پاکستان اما از بنیاد فرق می کند. پاکستان حامی اصلی امارت طالبان بود و پس از آن، ضمن آن که نقش برجسته ای در مبارزه علیه شبکه های تروریستی داشته و حامی ایالات متحده در این نبرد بوده است، مأمین امن سران طالبان و القاعده نیز بوده است. طالبان از سوی...



## ۳۵۰۰ کیلومتر شبکه ی خط آهن تا سال ۲۰۳۰ تکمیل خواهد شد

صفحه 2

## یک پیشکش - دو مفاد



3.99

افغانی فی دقیقه

0.50

افغانی فی دقیقه



این پیشکش فقط در شهر های ذیل قابل دسترس میباشد:  
کابل، بلخ، سرپل، جوزجان، فاریاب، سمنگان، ننگرهار، پکتیا، پکتیکا، وردگ، پنجشیر، لوگر، نورستان، کاپیسا، بامیان، لغمان، غزنی، کنړ، پروان و غور.

تماس از افغان بیسیم به افغان بیسیم

تماس به 6 کشور جهان

هندوستان، پاکستان، چین، مالیزیا، آمریکا و کانادا

برای اشتراک: #555\*4\*1\* را دایل نمایید

برای لغو اشتراک: #555\*4\*2\* را دایل نمایید

فیس روزانه: 4 افغانی



www.afghan-wireless.com

152 (24 HRS)

ارتباط دهنده افغانستان  
Connecting Afghanistan



# در باره‌ی ثقافت اسلامی

■ محمد محق  
■ قسمت دوم

## علم یا ایدئولوژی؟

ایدئولوژی به مجموعه‌ی از معلومات بسته‌بندی شده گفته می‌شود که به هدف به قدرت رساندن گروهی خاص یا تداوم بخشیدن به قدرت آن تولید و ترویج گردد. بارزترین نمونه‌اش آموزش‌هایی بود که از سوی حکومت کمونیستی در اتحاد شوروی سابق و از سوی نظام نازی در آلمان صورت می‌گرفت. اما فعالیت ایدئولوژیک و تولید افکار ایدئولوژیک مخصوص این دو نظام نبود بلکه حکومت‌ها و احزاب فراوانی در جهان چنین فعالیت‌هایی را در کارنامه‌ی خود دارند.

از آن‌جایی که سودای رسیدن به قدرت یا حفظ قدرت در کانون ایدئولوژی قرار داد در تقابل با علم و خصوصا علوم اکادمیک قرار می‌گیرد که بالاترین سودای آن کشف و شناخت حقیقت نیست. کسی که در پی شناخت حقیقت برمی‌آید به هیچ پیش‌فرض اولیه‌ی بی به چشم حقیقت نهایی نمی‌نگرد، و جست‌وجوگری را مهمترین راه رسیدن به حقیقت می‌داند، و هر گاه حقیقتی بر خلاف پیش‌فرض‌های او آشکار شود آماده است بدون تعصب و سخت‌سری در برابر آن سر فرود آورد. داستان تکامل علم در تاریخ تمدن انسانی همه به این امر برمی‌گردد. در مقابل، در سیستم‌های فکری ایدئولوژیک حقیقت پیشاپیش کشف شده فرض می‌شود، حقیقتی که خود بالاترین مظهر آن هستند، و در این میان تنها کاری که برای اهل علم و تحقیق می‌ماند تثبیت و تحکیم این حقیقت در ذهن مخاطب است، و از میان دانایی‌ها تنها آن بخش‌هایی ارزشمند به‌نظر می‌آید که در خدمت این حقیقت آشکار قرار بگیرد. بقیه انباشته‌های معلوماتی در جایگاهی فروتر قرار می‌گیرند و آن‌ها را می‌توان و باید دور ریخت. برای مثال، از نظر نظام استالین، همه فضایل به طبقه‌ی کارگر برمی‌گشت و همه‌ی رذایل به طبقه‌ی سرمایه دار. در این‌جا وظیفه‌ی محقق و پژوهشگر اکادمیک این بود که در تحقیقش باید این حقیقت آشکار را اثبات کند. اگر یافته‌های او نشان می‌داد که هم در میان کارگران آدم‌های خوب، بد و متوسط وجود دارد و هم در میان سرمایه‌داران، آن یافته ارزشی نداشت و کمکی به آن حقیقت نمی‌کرد، و در نتیجه باید دور انداخته می‌شد. بخشی دیگر از این حقیقت این بود که مردم در نظام سرمایه‌داری همه بدبخت‌اند و در نظام کمونیستی همه خوشبخت. اگر یافته‌های پژوهشی یک دانشمند نشان می‌داد که بخش وسیعی از مردم در نظام سرمایه‌داری احساس خوشبختی می‌کنند و از زندگی رضایت خاطر دارند، این‌جا وظیفه‌ی آن دانشمند این بود که تحقیق کند چرا عقل و مغز آن انسان‌ها این قدر تباه شده است که نمی‌توانند به بدبختی خود پی ببرند. در مقابل، در جامعه‌ی کمونیستی، چون حقیقت اصلی این بود که همه‌ی مردم خوشبخت‌اند، پژوهشگر حق نداشت از مردم نظرخواهی کند و تحقیقی به راه اندازد که می‌توانست به نتیجه‌ی غیر از این برسد. علم و تحقیق در چنین وضعیتی تنها

در مسیری حق فعالیت و تداوم حیات داشت که می‌توانست توجیهی برای نظام قدرت باشد و به تداوم آن کمک کند. محیط‌های اکادمیک در اصل تأسیس شده‌اند تا روند تحقیق و جست‌وجوگری را در عرصه‌های مختلف زندگی انسان و درباره‌ی طبیعت و هستی نهادینه و پایدار بسازند، و اعتباری که این نهادها دارند به همین دلیل است. اما از آن‌سو، استفاده از این اعتبار برای رسیدن به قدرت یا حفظ آن، برای همه‌ی احزاب و حکومت‌های ایدئولوژیک همیشه وسوسه‌انگیز بوده است، و نفوذ در این نهادها در قدم نخست و سیطره بر آن‌ها در قدم آخر از اهداف استراتژیک آن‌ها است. از این جهت، گسترش افکار ایدئولوژیک و افزایش فعالیت‌های ایدئولوژیک در محیط‌های دانشگاهی از خطراتی است که جای نگرانی جدی دارد، زیرا علم و اعتبار این نهادها را در خدمت احزاب سیاسی یا نظام‌های سیاسی قرار می‌دهد.

حال، با توجه به چنین تجربه‌ی، وقتی نوبت به درس ثقافت اسلامی می‌رسد، یکی از نگرانی‌های عمده‌ی که مطرح می‌شود این است که آیا این درس با ابهام‌هایی که از نظر متودیک در کار آن وجود دارد محتمل نیست که افکار ایدئولوژیک از این طریق در میان دانشجویان ترویج گردد؟ و اگر چنین افکاری زیر نام این درس ترویج یابد آیا زمینه برای سربازگیری گروه‌های افراطی مساعد نخواهد شد؟ ابهام متودیک تنها یک اتهام نیست، بلکه یک پرسش اساسی اکادمیک است که در برابر آن قرار دارد، چون معلوم نیست که در این درس از کدام روش استفاده می‌شود، و یا باید استفاده شود، فی‌المثل روش فقه و فقه‌ها، روش کلام و متکلمان، روش اصول فقه و اصولیان، روش منطق و علمای آن، یا خود روشی خاص دارد؟ و هر فرد آشنا با مباحث اکادمیک می‌داند که ابهام در روش، آن‌هم در رشته‌ی که با پیش و منش جوانان سروکار داشته باشد، می‌تواند به فاجعه بینجامد.

می‌توان مثال نظام سیاسی اسلام را در این زمینه در نظر گرفت. در گذشته که علوم دینی تدریس می‌شد، از قرون اولیه در تاریخ اسلام تا تقریباً یک قرن پیش، مضامین اصلی در این رشته معلوم بود، و هیچگاه درسی به‌نام نظام سیاسی اسلام وجود نداشت. البته در بعضی کتاب‌های غیردرسی به امور مربوط به حکومت پرداخته شده بود، مانند سیاستنامه‌ها، نصیحت‌الملوک‌ها و احکام‌السلطانیها، که از یک‌سو این دست از کتاب‌ها اعتبار بلندی نداشت و از همان رو هیچ‌گاه به کتاب‌های مرجع در فرهنگ اسلامی تبدیل نشدند، و از دیگرسو شمار این دست از کتاب‌ها در مقایسه‌ی عددی با کتاب‌های مربوط به دیگر دینی بسیار کم بود. اما با آن‌هم این کتاب‌ها درباره‌ی چارچوب تئوریک مشخصی زیر نام نظام سیاسی اسلام بحث نمی‌کردند، بلکه واقعیتی سیاسی را که وجود داشت به رسمیت شناخته و برای آن توصیه‌هایی می‌کردند، چه این واقعیت خلیفه بود،

چه سلطان، چه ملک و چه امیر. گذشته از این بخش مهمی از ریشه‌های این کتاب‌ها به تجربه‌های حکومتی پیش از اسلام برمی‌گشت و تحقیقات معاصران توانسته است نسخه‌های پیشااسلامی آن‌ها را در عهد ساسانیان ریشه‌یابی کند. تنها در قرن بیستم بود که پس از فراموشی امپراطوری عثمانی نگاه‌ها به طرف خلافت چرخید و در موافقت و مخالفت با آن بحث‌هایی به راه افتاد و کتاب‌هایی نوشته شد. این رویداد و حواشی تئوریک آن می‌تواند موضوع بحثی علمی باشد، خصوصا برای دانشجویانی که درباره‌ی تاریخ اندیشه‌های سیاسی پژوهش می‌کنند.

روش علمی و اکادمیک می‌طلبد که در این‌جا هم تاریخچه‌ی این موضوع و هم نظرات موافق و مخالف با دلایل‌شان گزارش شود، و منابع اصلی این مبحث معرفی گردد و زمینه‌ی برای اندیشیدن مستقل در اختیار دانشجو قرار گیرد و روش تحقیق درباره‌ی این موضوع با تئوری‌های تخصصی آن به او یاد داده شود. در این‌صورت، این درسی خواهد بود با صبغه‌ی کاملا اکادمیک.

حال، اگر استاد خودش طرفدار مدل خاصی از حکومت، مثلا خلافت باشد و آن را تنها نظام مشروع بداند، و با استفاده از ساعت این درس تلاش کند که نظام مورد نظر خود را به‌عنوان یگانه نظام مشروع تبلیغ کند، و دانشجو را از نظرات مخالف و منتقد این نظام بی‌خبر نگاه دارد، و یا روایتی عمدا کج و معیوب از آن نظرات عرضه کند، این عمل نه کار اکادمیک و نه تلاشی علمی، بلکه عملی خالصا ایدئولوژیک است، و از این نظر، خلاف رسالتی است که محیط‌های اکادمیک به عهده دارند.

می‌توان مثال‌های متعدد دیگری را هم در نظر گرفت که گنجایش دارد تا تبدیل به فرصتی جهت تبلیغات ایدئولوژیک شود مانند بحث درباره‌ی تاریخ صدر اسلام، درباره‌ی پیدایش مذاهب و فرقه‌های کلامی، درباره‌ی اختلافات مذهبی و اموری از این قبیل. حتا شماری از موضوعاتی که برای سمسترهای مختلف در نظر گرفته شده است در ذات خود به چنان ابهام و ابهامی گرفتار است که خودبه‌خود فرصت را مساعد می‌سازد تا هر کس هر چه می‌خواهد بگوید. مثلا، به‌جای درسی به‌نام عقاید اسلامی درسی قرار گرفته است به‌نام جهان‌بینی اسلامی. این عنوان در اصل از نوشته‌های مرتضی مطهری و سید قطب اقتباس شده است. در بین رشته‌های شناخته‌شده‌ی علوم اسلامی رشته‌ی به‌نام جهان‌بینی اسلامی وجود ندارد. این اصطلاح از زمانی باب شد که موضوع جهان‌بینی از سوی احزاب و ایدئولوژی‌های چپ در دوران جنگ سرد مطرح شد، و در آن زمان شماری از دانشمندان مسلمان خواستند در مقابل آنان نظریه‌ی ارائه کنند به‌نام جهان‌بینی اسلامی. سید قطب دو کتاب دارد یکی به‌نام «خصائص‌التصور الاسلامی» و دیگری به‌نام «مقومات‌التصور الاسلامی»، که اتفاقا کتاب اول را سید محمد خامنه‌ی به‌نام ویژگی‌های ایدئولوژی اسلامی ترجمه کرده است، در حالی که تصور به‌معنای جهان‌بینی است. این تلاش در واقع ریختن بخش‌هایی از مباحث عقاید اسلامی به‌شکل گزینشی در قالبی ایدئولوژیک بود که بدون روشی علمی و با شیوه‌ی کاملا سلیقه‌ی انجام می‌یافت. این در حالی بود که عقاید اسلامی به‌منابه‌ی یک شاخه‌ی علمی پیشینه‌ی بی به قدمت یک هزار سال داشت و علی‌رغم تعدد مکاتب کلامی، از حیث متودیک به مراتب پخته‌تر و تکامل‌یافته‌تر از این موضوعات نوپدید بود. وقتی کسی وارد مباحث علم عقاید گردد مبانی فکری هر جریان کلامی روشن است و می‌تواند به‌راحتی دیدگاه‌های اشاعره، معتزله، اهل حدیث، ماتریدی، امامیه، اسماعیلیه و بقیه فرقه‌ها را بخواند، تحلیل کند و بفهمد. هرچند در آن‌جا نیز امکان تبلیغات ایدئولوژیک هست اگر استاد یا متن درسی از بی‌طرفی بیرون شود و به نفع یکی از فرقه‌ها و به زیان دیگری و با جانبداری استدلال کند، اما این امکان از این نظر محدود است که منابع معتبر این موضوعات به‌حد کافی در تاریخ اسلام تألیف شده و راه مطالعه‌ی آن‌ها باز است. اما درسی مانند جهان‌بینی اسلامی هیچ سابقه‌ی در تمدن

## حال، اگر استاد خودش طرفدار

### مدل خاصی از حکومت، مثلا

### خلافت باشد و آن را تنها نظام

### مشروع بداند، و با استفاده از

### ساعت این درس تلاش کند که

### نظام مورد نظر خود را به‌عنوان

### یگانه نظام مشروع تبلیغ کند،

### و دانشجو را از نظرات مخالف

### و منتقد این نظام بی‌خبر نگاه

### دارد، و یا روایتی عمدا کج و

### معیوب از آن نظرات عرضه

### کند، این عمل نه کار اکادمیک

### و نه تلاشی علمی، بلکه عملی

### خالصا ایدئولوژیک است، و از

### این نظر، خلاف رسالتی است

### که محیط‌های اکادمیک به

### عهده دارند.

اسلامی ندارد و دارای روشی علمی نیست و میدان بازی است برای هر کس با هر اندیشه‌ی.

از آن بی‌دروپیکرتر درسی بود به‌نام «حاضر العالم الاسلامی» که در گذشته بخشی از درس‌های ثقافت بود، و اکنون در بعضی دانشگاه‌های خصوصی تدریس می‌شود. این درس در نخست از سوی یک نویسنده‌ی میانه‌حال اخوانی به‌نام علی جریشه در سعودی مطرح شد، و بعدا در دوران هجرت در پشاور رواج یافت، و چنان‌که از عنوانش پیدا است، درسی است درباره‌ی وضعیت کنونی جهان اسلام، و معلوم نیست وضعیت کنونی را از کدام حیث قرار است بحث کند. اگر هدف ارائه‌ی تصویری ایدئولوژیک از وضعیت جهان اسلام نباشد، این بحث چنان دامنه‌ی گسترده‌ی بی‌باید که می‌توان اوضاع و احوال یک‌ونیم میلیارد مسلمان را از نظر اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، صنعتی، توریستی، علمی، و بسیار قضایای دیگر بحث کرد و آخرش هم به جایی نرسید، چراکه پرداختن به هر یک از این موضوعات متعلق به تخصص علمی خاصی است و نمی‌توان با یک تخصص همه‌ی این‌ها را پوشش داد، چه رسد به این‌که بی‌هیچ تخصصی در این‌باره بحث کرد. حال می‌توان حدس زد که وقتی کسی با گرایش‌های ایدئولوژیک به حزب و جماعتی خاص وارد این مبحث شود او چه خواهد گفت و با دانشجویان چه کار خواهد کرد. ناگفته پیدا است که این‌گونه مباحث به هیچ صورت علمی نیست و تنها امکان پروپاگند حزبی را برای گرایش‌های ایدئولوژیک فراهم می‌کند. بنابراین، درس ثقافت اسلامی اگر از این حیث مورد بازبینی قرار نگیرد می‌تواند فرصتی برای گروه‌های سلفی، شبه‌سلفی، و سلفی‌های جهادی، چه سنی و چه شیعی، باشد تا از آن طریق نظرات خاص حزبی‌شان را به‌نام اسلام در ذهن دانشجویان تزریق کنند، و آنان را با ترساندن از اندیشه‌های دیگر از هر تفکری بی‌خبر نگاه دارند، و چنان‌که در اوایل انقلاب ایران آیت‌الله مصباح یزدی عنوان یکی از کتاب‌هایش را «پاسداری از سنگ‌های ایدئولوژیک» قرار داده بود، محیط‌های دانشگاهی به سنگ‌های ایدئولوژیک حزبی تبدیل شود که به‌جای تولید اندیشه به تولید جنگجو بپردازد. طرح چنین پرسش‌هایی به معنای ضديت با دین و دیندار شدن دانشجویان نیست بلکه برای آن است که بتوان با تدابیر مناسب جلو ترویج افکاری را گرفت که به نفع برخی اجندا‌های سیاسی و به زیان دینداری اصیل است.

## حال، با توجه به چنین تجربه‌ی، وقتی نوبت به درس ثقافت اسلامی می‌رسد، یکی

### از نگرانی‌های عمده‌ی که مطرح می‌شود این است که آیا این درس با ابهام‌هایی

### که از نظر متودیک در کار آن وجود دارد محتمل نیست که افکار ایدئولوژیک از این

### طریق در میان دانشجویان ترویج گردد؟ و اگر چنین افکاری زیر نام این درس

### ترویج یابد آیا زمینه برای سربازگیری گروه‌های افراطی مساعد نخواهد شد؟

### ابهام متودیک تنها یک اتهام نیست، بلکه یک پرسش اساسی اکادمیک است

### که در برابر آن قرار دارد، چون معلوم نیست که در این درس از کدام روش استفاده

### می‌شود، و یا باید استفاده شود، فی‌المثل روش فقه و فقه‌ها، روش کلام و متکلمان،

### روش اصول فقه و اصولیان، روش منطق و علمای آن، یا خود روشی خاص دارد؟ و

### هر فرد آشنا با مباحث اکادمیک می‌داند که ابهام در روش، آن‌هم در رشته‌ی که با

### پیش و منش جوانان سروکار داشته باشد، می‌تواند به فاجعه بینجامد.

تروستی نقش فعال‌تری ایفا کرده‌اند. سازمان‌های استخباراتی امریکایی می‌گویند که این گروه از اواسط تابستان تاکنون حدود ۷ حمله، از جمله بمب‌گذاری‌های انتحاری، انجام داده‌اند که تلفات گسترده‌یی در پی داشته‌اند. به گروه وابسته به دولت اسلامی در این‌جا عمدتاً به‌عنوان یک رقیب طالبان نگریسته شده است که علناً این گروه را مورد انتقاد قرار می‌دهد و در اطراف سنگر اصلی‌اش در شرق علیه آن‌ها جنگید.

اما دو مقام ارشد افغانستان که نخواستند نام‌شان فاش شود گفت که این مفکوره که طالبان با دولت اسلامی می‌جنگد یک حقیقت مطلق نیست، بلکه در سرتاسر کشور متفاوت است. این مقام‌ها گفتند که در حالی که طالبان جنگ خونینی را بر سر کنترل مناطق با دولت اسلامی در شرق راه‌اندازی کرده‌اند، آن‌ها با عناصر مرتبط با دولت اسلامی در شمال و شمال‌شرق کشور همکاری کرده‌اند.

مقام ارشد امریکایی هم‌چنین گفت که شبکه‌ی ستیزه‌جوی حقانی که رهبر ارشد آن در سال ۲۰۱۵ معاون فرمانده ستیزه‌جویان طالب شد، در واقع «در گفت‌وگوها با دولت اسلامی صریح‌تر بوده است». محمد حنیف اتمر، مشاور امنیت ملی افغانستان هشدار داد که هرچند گروه‌های وابسته به دولت اسلامی یک اولویت مهم در تلاش‌های مشترک مبارزه با تروریسم کشور و ارتش امریکا در افغانستان باقی مانده است، اکثریت گروه‌های تروریستی در افغانستان ایدئولوژی مشترک دارند. آقای اتمر گفت: «ما نمی‌توانیم داعش را از گروه‌های تروریستی دیگر منزوی سازیم.» «این گروه‌ها همه روابط همزیستی دارند. یک گروه نمی‌تواند در انزوا بماند؛ دیگر گروه‌ها محیط مناسب فراهم می‌کنند.»

پس از دولت اسلامی، القاعده است که با هدف قرار گرفته شدن رهبرانش توسط عملیات‌های ویژه ایالات متحده و حملات هوایی بدون سرنشین شاهد تضعیف چشمگیر قابلیت‌هایش بوده است. مقام‌های مبارزه با تروریسم می‌گویند که القاعده، علاوه بر هسته‌ی گروه اصلی که روی حملات تروریستی در خارج متمرکز مانده است و در افغانستان و پاکستان حضور دارد، شاخه‌ی جدیدی را در آن کشورها ایجاد کرده است که به القاعده در شبه‌قاره‌ی هند شهرت دارد و روی منطقه متمرکز است.

مقام‌های امریکایی تعداد کل ماموران گروه القاعده هسته و شاخه‌ی جدید آن در افغانستان را کمتر از ۲۰۰ مامور برآورد می‌کنند؛ مقام‌های افغان این تعداد آن‌ها را ۳۰۰ تا ۵۰۰ مامور برآورد می‌کنند. آقای اتمر گفت: «در اهدافی که القاعده دنبال می‌کند و تخریب دموکراسی‌های غرب و مسلمانان است، هیچ تغییری نیامده است. تفاوت در این است که آن‌ها دیگر شبکه‌ها، مانند شبکه‌ی حقانی و لشکر طیب را استخدام می‌کنند. آن‌ها منابع برخی از کارهای‌شان را از خارج تأمین می‌کنند و این کار آن‌ها را خطرناک‌تر می‌سازد.»

مقام‌های استخباراتی می‌گویند که تعدادی از اعضای القاعده در این منطقه این گروه را ترک گفته و به دولت اسلامی پیوسته‌اند و این گروه تعدادی از جنگجویانش را به سوریه فرستاده است تا با دولت اسلامی در آن‌جا رقابت کنند. چندین گروه دیگر که در گذشته به القاعده وابسته بودند، به‌صورت مشخص گروه‌های جنگجویان آسیای مرکزی، به سمت دولت اسلامی گرایش نشان داده‌اند.

هراسی در میان مقام‌های افغان و غربی وجود دارد که در حالی که دولت اسلامی تحت فشار عملیات‌های نظامی در عراق و سوریه قرار گرفته است، برخی از رهبران آن راهی افغانستان خواهند شد؛ جایی که مناطق دور از کنترل حکومت توسعه یافته است و گروه محلی وابسته به آن برایش جا باز کرده است. محمد عمر داوودی، وزیر داخلی پیشین، گفت: «ایالات متحده با این اصل به افغانستان آمد که اجازه ندهیم افغانستان بار دیگر به پناهگاه امنی برای تروریستان تبدیل شود. در این تهدید هیچ تغییری نیامده است. القاعده صرف یک نشان بود، درست مثل دولت اسلامی. تهدید اصلی بنیادگرایی است و در واقع افزایش یافته است.»

فرانز مایکل میلیبن، سفیر و نماینده‌ی ویژه‌ی اتحادیه‌ی اروپا به افغانستان گفت که اگر با گروه‌های تروریستی به‌عنوان یک کل مقابله نشود، همیشه این احتمال وجود دارد که جناح‌های یک گروه تغییر جهت داده یا در گروه‌های دیگر بپیوندند. آقای میلیبن گفت: «بدیهی است، تهدیدی نسبت به امنیت بین‌الملل وجود دارد که هنوز از افغانستان سرچشمه می‌گیرد. ما شاهد چندین گروه بین‌المللی بوده‌ایم که در افغانستان تجمع یافته‌اند. برخی از آن‌ها، به‌طور نمونه طالبان، در داخل افغانستان برنامه‌هایی دارند؛ اما اکثریت این گروه‌ها برنامه‌هایی دارند که از مرزهای افغانستان فراتر می‌رود». او گفت که حکومت جدید امریکا فرصت دارد تا اوضاع را ارزیابی کند و در ماموریت [اش] تغییری بی‌آورد. «ما نمی‌خواهیم تا ۱۵ سال بعد از حالا بار دیگر این بحث را داشته باشیم.»

# بحران امنیتی افغانستان؛ فراهم‌کننده‌ی شرایط برای بازخیزش تروریستان

محبوب مشعل و ایریک شمیت

ترجمه: حمید مهدوی



کرده‌اند که با طالبان به‌عنوان یک مانع احتمالی علیه دیگر گروه‌های ستیزه‌جو در صورت ناکامی حکومت تماس داشته‌اند، هرچند مقام‌ها تأکید دارند که [این تماس‌ها] تا سرحد کمک به ستیزه‌جویان ادامه نیافته است.

با این‌حال، پیروزی اخیر ستیزه‌جویان مستقیماً ثابت حکومت افغانستان را تهدید می‌کند و این یک خلای ارضی ایجاد می‌کند که دیگر گروه‌ها تلاش دارند بهره‌برداری کنند. عملیات مبارزه با تروریسم ایالات متحده به‌طور فزاینده‌یی روی گروه محلی وابسته به دولت اسلامی که خودش را دولت اسلامی در خراسان می‌خواند، متمرکز بوده است. به‌قول یک مقام ارشد امریکایی که نخواست نامش فاش شود، تعداد جنگجویان دولت اسلامی که اکثریت آن‌ها اعضای پیشین طالبان پاکستان از مناطق قبایلی هستند و پس از تلفات سنگین در جریان سال گذشته در نتیجه‌ی حملات هوایی امریکایی‌ها و عملیات‌های زمینی افغان‌ها، تعدادشان قرار برآوردها دیگر به بیش از هزار جنگجو نمی‌رسد. با این‌وجود، آن‌ها ثابت کرده‌اند که یک نیروی انعطاف‌پذیر هستند که تسلط‌شان را بر چندین ولسوالی در ولایت شرقی ننگرهار حفظ کرده‌اند و به گفته‌ی مقام‌ها تماس‌های‌شان را با فرماندهی مرکزی دولت اسلامی در سوریه و عراق برای راهنمایی و کمک مالی حفظ کرده‌اند.

ستیزه‌جویان دولت اسلامی هم‌چنین در راه‌اندازی حملات

برجسته‌ترین عضو تیم امنیت ملی در حال شکل‌گیری ترامپ که سال‌ها روی جنگ افغانستان متمرکز بوده است، در مورد نگرانی‌اش رک‌وراست بوده است که هرج‌ومرج در افغانستان بار دیگر تهدید مستقیمی برای ایالات متحده خواهد بود. جنرال فلین در سال جاری گفت: «کاری را که ما باید برای کل منطقه ادامه بدهیم این است که اعتماد را دوباره تزیق کنیم که ما در واقع می‌توانیم به آن‌ها کمک کنیم. ما نمی‌توانیم این منطقه را به امثال چندین سازمان تروریستی واگذار کنیم. چیزهای زیادی در آن‌جا در خطراند.»

این‌که این مناظره در حکومت جدید چگونه خواهد بود، به پرسش اصلی در میان مقام‌های افغان در این‌جا تبدیل شده است. تهدید فوری وجودی برای حکومت افغانستان بازخیزش طالبان بوده است که مقام‌ها می‌گویند در ماه‌های اخیر هر روزه ۳۰ تا ۵۰ تن از نیروهای امنیتی را می‌کشند. این ستیزه‌جویان به‌صورت مستقیم مراکز ولایات مهم را تهدید می‌کنند و بار دیگر جاده‌های مهم را برای نیروهای حکومتی خطرناک یا صعب‌العبور ساخته‌اند. طالبان، که اکثر رهبران آن‌ها در پاکستان پناه گزیده‌اند، اصرار دارند که آن‌ها صرف روی به‌دست آوردن دوباره‌ی قدرت در داخل افغانستان متمرکز هستند و برخی از مقام‌های روسی، از جمله ضمیر کابلوف، فرستاده‌ی ویژه‌ی [روسیه] در افغانستان آشکارا اذعان

مقام‌های افغان و امریکایی می‌گویند که بحران امنیتی افغانستان باعث فراهم شدن فرصت‌های جدیدی برای القاعده، دولت اسلامی و دیگر گروه‌های تروریستی می‌شود و ابراز نگرانی می‌کنند که ماموریت اصلی امریکا در این کشور، جلوگیری از استفاده از این کشور به‌عنوان یک پناهگاه تروریستی، در خطر است. در حالی که طالبان با حملات تهاجمی شدیدشان بخش‌های بزرگی از خاک [افغانستان] را از دستان حکومت افغانستان خارج ساخته‌اند، آن مناطق به زمینه‌یی برای یک بازخیزش منطقه‌یی و بین‌المللی گروه‌های ستیزه‌جو تبدیل شده است. این وضع، با وجود تداوم حضور نزدیک به ۱۰۰۰۰ سرباز امریکایی در این کشور وجود دارد؛ نیروهایی که وظیفه‌ی‌شان اجرای عملیات مبارزه با تروریسم و حمایت از نیروهای افغان که بار جنگ را بر دوش می‌کشند، است. جنرال جوزیف وتل، رییس فرماندهی مرکزی ایالات متحده، گفت که حکومت افغانستان در حال حاضر صرف حدود ۶۰ درصد [از خاک] این کشور را کنترل می‌کند، طالبان بر حدود ۱۰ درصد از کشور تسلط دارند و بر سر درصد باقی‌مانده رقابت جریان دارد. او گفت، با گروه یا گروه‌هایی که خلاهای مناطقی در افغانستان که به‌طور فزاینده‌یی در آن حکومت حضور ندارد را پر کرده‌اند «باید با آن رقابت کنیم». جنرال وتل در مورد اجتماع امنیتی در واشنگتن در هفته‌ی جاری گفت: «ما باید در مورد این نگران باشیم - در مورد سخت‌کوشی، همکاری و تشریک مساعی طالبان با دیگر سازمان‌های تروریستی.»

به‌طور کلی، مقام‌های غربی و افغان برآورد می‌کنند که ۴۰ تا ۴۵ هزار ستیزه‌جو در سرتاسر افغانستان فعال هستند. جنگجویان طالبان ۳۰ هزار تن برآورد شده است که برخی از آن‌ها فصلی هستند. اما بقیه ستیزه‌جویان خارجی هستند که وفاداری/وابستگی مختلف و اغلب متغیر هستند، گاهی با هم رقابت دارند اما اکثراً در یک‌طرف و علیه حکومت افغانستان و متحدان امریکایی‌اش قرار دارند. جنرال جان نیکولسن، فرمانده نیروهای امریکایی و ناتو در افغانستان اخیراً گفت: «از جمله‌ی ۹۸ سازمان در سراسر جهان که ایالات متحده یا سازمان ملل متحد آن‌ها را سازمان‌های تروریستی می‌دانند، ۲۰ سازمان آن در منطقه‌ی افغانستان و پاکستان هستند.» «این بیشترین تمرکز در تعداد گروه‌های مختلف نظر به هر منطقه‌یی در جهان است.» این همان وضعی است که رییس‌جمهور دونالد ترامپ و تیم امنیتی جدید او به ارث خواهند برد. در موارد نادری که آقای ترامپ در مورد افغانستان صحبت کرده است، اغلب تمایلش به خروج از «فاجعه‌ی تام‌وتمام» را بیان کرده است. اما مایکل فلین، جنرال بازنشسته، رییس پیشین اداری استخبارات ملی و



**مقام‌های امریکایی تعداد کل ماموران گروه القاعده هسته و شاخه‌ی جدید آن در افغانستان را کمتر از ۲۰۰ مامور برآورد می‌کنند؛ مقام‌های افغان این تعداد آن‌ها را ۳۰۰ تا ۵۰۰ مامور برآورد می‌کنند. آقای اتمر گفت: «در اهدافی که القاعده دنبال می‌کند و تخریب دموکراسی‌های غربی و مسلمانان است، هیچ تغییری نیامده است. تفاوت در این است که آن‌ها دیگر شبکه‌ها، مانند شبکه‌ی حقانی و لشکر طیب را استخدام می‌کنند. آن‌ها منابع برخی از کارهای‌شان را از خارج تأمین می‌کنند و این کار آن‌ها را خطرناک‌تر می‌سازد.»**

# رنج‌های رنگارنگ در «شکوهی رنگ‌ها»

عمران راتب

## چهل‌کد

سخن‌سازان هاتفا

### به این می‌گویند ستون فقرات

در قدیم وقتی می‌دیدند کسی پول ندارد، می‌گفتند ولی ستون فقرات دارد. یعنی غیرت مند است و با جمپک‌های خرد و کلان زنده‌گی از جا کنده نمی‌شود. البته ارباب‌های منطقه همیشه عاشق ستون فقرات این‌گونه آدم‌ها بودند. احوال می‌دادند که فلانی خبر شدی که جمعی از ارباب و شیوخ در قریه‌ی همجوار رحل افکنده‌اند و می‌خواهند به قریه‌ی ما هم بیایند؟ آن‌وقت جناب ساتن‌الفقرات می‌رفت با هر مصیبتی شده پول قرض می‌کرد و آدم می‌فرستاد نزد آن شیوخ و ارباب، که به سر آقايم ابالفصل قسم می‌خورم که اگر به قریه‌ی ما آمدید و در کلبه‌ی ما فرود نیامدید، در روز محشر نزد خیرالبشر ازتان گله خواهم کرد. آن ارباب و شیوخ تشریف می‌آوردند و در خانه‌ی آقای غیرتی پهن می‌گردیدند و در وصف غیرت و باستون بودن او گوهرها از دهان و بینی می‌افشانند و می‌رفتند. می‌گویند بعد چه می‌شد؟ بعدش معلوم بود. ستون فقرات هرچه قوی هم باشد، ظرفیت شیخ‌بری و ارباب‌نوازی‌اش حدی دارد. این بود که پشت جناب ساتن‌الفقرات می‌شکست و ایشان به‌خاطر تادیبه‌ی دیون خویش راهی سنگبری سی‌متری جاده‌ی کاشان در تهران می‌شد و باقی قضایا.

حالا رییس‌جمهور ما که مملکت‌اش پول ندارد اما ستون فقرات‌اش پنج‌هزار ساله ستون است، کمک پنجمصد میلیون دلاری یا پنجاه میلیون دلاری پاکستان را رد کرده (یا ۵۰۰ است یا ۵۰). رسانه‌ها رقم‌رقم می‌گویند از بس ژورنالیست‌های‌شان مصروف‌اند. خوب کرده. البته بعضی از آگاهان معتقدند که کاش رییس‌جمهور ما آن هدیه‌ی دیگر پاکستان، یعنی طالبان، را هم رد کند. ولی بعضی از آگاهان دیگر، که به همان اندازه‌ی آگاهان قبلی آگاه‌اند و فقط در تلویزیون دیگری کار می‌کنند، معتقدند که رد کردن طالبان زشت است، چون وقتی که طالبان هدیه‌شده افغان‌اند، هیچ افغان از هیچ افغان دیگر کمتر یا برتر نیست؛ ولی وقتی که طالبان هدیه‌شده پاکستانی‌اند، آنان را آیا چه‌گونه می‌توان رد کرد؟ آیا در کتاب مجید نیامده که ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم؟ آیا افغان‌ها در تمام دنیا به میهمان‌نوازی شهره نیستند؟ آیا مساوی‌اند آنانی که می‌دانند باید به هر قیمتی از طالبان حمایت کرد و آنانی که لایعلمون؟ و آیا... گمش کن، صد آبی دیگر هم بپرسم باز مرغ شما یک لنگ دارد و آخر با این لنده‌گران ضد تالیب یکچه می‌شوید.



می‌گیرند و برای جلوگیری از تکرار آن می‌دوند و می‌رزمند، خود همچنان در ناکامی و ناامیدی و گم‌نامی به‌سر می‌برند، اما کسانی که انصافاً اصلاً نمی‌دانند زن و کودک افغانستان چه کوه عظیم و مهیبی از رنج و محرومیت را بر شانه‌های‌شان حمل می‌کنند، راست و چپ شعار دادند و خود یک‌شبه میلیونر و سرمایه‌دار از آب درآمدند؟

باری، دشواری و درد زن بودن در کشوری چون افغانستان، سنگین‌تر و گسترده‌تر از آن است که با نقد رویکرد حامیان ظاهری یا واقعی حقوق او بتوان به تسکینش امید بست. امارت اسلامی طالبان سقوط کرد، اما هنوز بدون هیچ تغییری زن در این‌جا بد داده می‌شود، در فقر و محرومیت و بی‌سوادی به‌سر می‌برد و سرانجام نیز به‌سادگی تمام، سر بریده شده و از زندگی ساقط می‌گردد. بنابراین، رنگ‌ها تنها آرزوهای رنگارنگ بر خاک‌نشسته‌ی زنان افغانستان را روایت نمی‌کنند، بل می‌توانند نشانه‌ی بی‌فراگیری و رنگارنگی رنج‌ها و سختی‌های آن‌ها نیز باشند. اما زنان کشور پس از سال‌ها تباهی و فاجعه، اگر امروزه هنوز هم با محرومیت از حقوق بدیهی‌شان زندگی می‌کنند، دست‌کم به یک توانایی دست یافته‌اند و آن‌هم بیان و روایت این محرومیت‌ها و آرزوهای زن امروز افغانستان، می‌تواند شکوه سر دهد اگر درد دارد که معلوم است دارد. چون شکوه در آسایش و خوش‌بختی معنایی ندارد، شکوه و ناله، نماد تیرگی و تلخی زندگی انسان است.

زن افغانستان حالا می‌داند که در برابر درد کشیدن و سوختن، نباید خاموشی گزید. سال‌ها این کار را کرده است و نفعی ندیده است، بلکه باید صدا در داد و فریاد برآورد، یا لاقلاً این درد و دشواری را باید روایت و ترسیم کرد؛ به متن و تابلوی نقاشی تحویل داد. فقر و محرومیت پدیده‌ی ویرانگر و کمرشکن است، اما روایت و ترسیم آن، چیز خیلی زیادی نمی‌خواهد: با مدادی و تکه‌ی کاغذ، می‌توان آن را جاودانه در خاطره‌ها حک کرد.

حقوق‌بشری، تبدیل به انجوبی صرفاً مادی شدند و به فعالیت‌های اقتصادی روی آوردند. البته که پوشش‌شان در هر صورت، همان دامیه‌ی بود که توجیه‌گر شکل‌گیری‌شان شده بود، قدر مسلم اما این است که در طول چند سال گذشته، این نهادها منزلی بیشتر از بنگاه‌های اقتصادی را نداشتند. فضای حاکم بر عرصه‌ی فعالیت‌های اقتصادی در کشور نیز روشن‌تر از آن است که با ادعاهای مبشران و سخن‌گویان بنگاه‌ها بتوان به امید پدیدآیی بهبودی در وضعیت زندگی شهروندانی که نیازمندان واقعی این سرزمین‌اند، دل خوش کرد. خانوادگی و مافیایی‌شدن، شکل عام و منتشر حرکت اقتصاد در کشور است و به‌عوض ساختاری واحد به هدف سازمان‌مند شدن اقتصاد -کمکی یا ملی- ساختارچه‌های بی‌شمار مافیایی شکل گرفته و از یک قطره آب تا لقمه‌نانی را به‌تمامی بلعیده‌اند. از این‌رو، نمی‌توان انکار کرد که نهادهای مدنی و حقوق‌بشری نیز نمی‌توانند بیرون از این قاعده قرار بگیرند. آن‌ها نیز از زن و کودک و حقوق آن‌ها، ابزاری ساختند که بهترین امکان را برای استحاله‌ی یک نهاد از شکل مدنی به یک بنگاه تجارتي و اقتصادی فراهم می‌کردند. زن شکوه‌مند امروز، در تابلوی نقاشی‌اش تنها از دورانی نمی‌گوید که این نهادها وجود نداشتند تا به‌اصطلاح در دفاع از آن‌ها در برابر طالب و جهادی سینه سپر کنند؛ بل از آن چیز هم می‌گویند که همین مدافعان سینه‌چاک بر سرنوشت آن‌ها اعمال کردند. شکی نیست که رُخ این حرف، متوجه تمام آن نهادها و سازمان‌هایی نیستند که حمایت آن‌ها از زن و کودک این کشور، در تفاوتی که در وضعیت زندگی زنانه‌ی امروز با زندگی زن‌ها در پانزده سال به‌وجود آمده، روشن و مبرهن است. من این‌جا از آن نهادهایی سخن می‌گویم که به‌نام درد، دزدیدند از حق و زندگی زن و کودک این سرزمین و با تأسف، شمار آن‌ها نیز چندان ناچیز نیست. وگرنه، این چه سری است که مدافعان واقعی، فروتن و گم‌نام زن و اطفال کشور، آن‌هایی که به‌خاطر بریده شدن گلوبی، گردنی و گوش‌ی خاموشانه

نمایشگاه تابلوهای نقاشی برای یک هفته در هرات گشایش یافته است. این نمایشگاه، به‌مناسبت هفته‌ی محو خشونت علیه زنان برگزار شده است، اما آنچه که بیشتر از همه حتماً برای آن‌هایی که سعادت اشتراک در نمایشگاه را ندارند، برانگیزاننده و مهیج خواهد بود، عنوانی است که بر این نمایشگاه برگزیده شده است: «شکوهی رنگ‌ها». شکوهی رنگ‌ها، فقط شکوهی رنگ‌های بی‌روح تجسدیافته در بومی نقاشی یا تابلویی سنجاق‌شده بر دیوار نیست. استعاره‌ی است گویا، برای ترسیم شکوه‌ها و ناله‌های جگرسوز زنانی که آرزوهای برپادرفته و رنگ و آرمان‌های خفته‌شده‌ی بی‌شماری در گلو دارند. زبان رؤیاهای محوشده و تبسم‌های جراحی‌شده و صداهای نرسیده‌ی کسانی است که عمری را خاری دیدند و زجر کشیدند تا شاید رنگی جز خون و سیاهی را نیز در زندگی‌شان ببینند، اما سرانجام فقط مجال آن را یافتند که آه سرد و نگاه محو ناشی از عبث بودن امیدشان را، تحویل تکه‌ی کاغذ یا بوم نقاشی بدهند. دوست ندارم خوانش از وضعیت زنان و شکوه‌ی تلخ آن‌ها، یکسره با بدبینی تبارز یابد. واقعیت اما چیزی را پیش پای ما قرار می‌دهد که با تأمل در آن، نمی‌توان به شادبانه‌های متوهم و پوچ بازاری دل بست. وضعیت تراژیک حاکم بر زندگی زنان در کل و حجم وسیعی از مردان در افغانستان، یک مسأله‌ی خوانشی و تفسیری نیست، بل واقعیتی است عینی و جاری که تا اطلاع ثانوی، روح و روان جامعه را به چارمیخ کشیده است.

پدید آمدن نهادها و سازمان‌های حقوق‌بشری و مدافع حقوق زنان در کشور پس از سقوط حکومت سیاه طالبان، شکل سماق‌وار و سریعی داشت. بیشترین هزینه‌ی که کشورهای حامی افغانستان در سال‌های آغازین پس از ۲۰۰۱ بر افغانستان کردند نیز در اختیار همین نهادها و سازمان‌ها قرار گرفت. حقیقت اما این است که آن‌گونه که باید، به هیچ‌وجه نمی‌توان با یک دید رضایت‌مندانه به کارکرد این سمارق‌های سریع نگریست. اغلب آن‌ها از یک نهاد مدنی و

#### هر روز روزنامه اطلاعات روز را پشت در منزل‌تان در یافت کنید

Subscribe to Daily Etilaat Roz

6 Months

120\$ USD

Annual

200\$ USD

برای ادارات دولتی و شرکتها

۳۰۰۰ افغانی

شش ماهه

۵۰۰۰ افغانی

یک ساله

برای متعلمین و محصلین

۲۰۰۰ افغانی

شش ماهه

۴۰۰۰ افغانی

یک ساله

zaki.daryabi2@gmail.com

- صاحب امتیاز و مدیرمسئول: ذکی دریابی
- معاون مدیرمسئول: حمیرا رسا
- سردبیر: خلیل پژواک
- دبیر خبر: عصمت الله سروش
- گزارشگر: الیاس نواندیش
- ویراستار: عمران راتب
- صفحه‌آرا: هادی دریابی
- بازاریاب: محمد حسین جویا ۰۷۶۷۱۵۲۰۶۲
- hussainjoya2014@gmail.com
- دایلی‌تیل‌ات‌روز: dailyetilaatroz@gmail.com
- آدرس: کابل، کارته سه، سرک شورا
- شماره تماس: ۰۷۸۹۶۴۵۱۶۰
- مسئول توزیع: روح الله مرادی ۰۷۷۶۹۴۰۴۵۴ / ۰۷۹۲۹۱۹۳۳۲
- چاپ: مطبعه امام ۰۷۹۹۱۴۲۹۹۹

یادداشت: تنها یادداشت روز دیدگاه رسمی اطلاعات روز می‌باشد. مسئولیت سایر نوشته‌ها به نویسندگان آن بر می‌گردد.







## نشست بین‌المللی محافظت از میراث‌های باستانی کشورهای درگیر جنگ



فرانسوارشیه  
سفیر فرانسه در افغانستان

به دعوت رییس‌جمهور فرانسه و ولیعهد امارات متحده عربی، نشست بین‌المللی در هماهنگی با سازمان جهانی یونسکو به تاریخ دوم و سوم ماه دسامبر روی موضوع محافظت از میراث‌های تاریخی کشورهای درگیر جنگ که در معرض خطر قرار دارند برگزار گردید. افغانستان در این نشست به دو دلیل جایگاه ویژه‌ای داشت؛ نخست به دلیل داشتن میراث‌های باستانی ارزشمند و دوم به خاطر حملات مکرر که بالای این میراث‌ها در دهه‌های اخیر صورت گرفته و آن‌ها را به شدت در معرض خطر قرار داده است.

تخریبات اخیر آثار باستانی توسط گروه‌های تروریستی در سوریه، عراق و مالی اهمیت محافظت از میراث‌های تاریخی را به جهانیان، تک‌تک کشورها و بالاتر از همه برای بشریت گوشزد می‌کند. چنانچه یک ملت با آگاهی از داشته‌های تاریخی خویش شکل گرفته و متحد شده است، بنام این به معنای مطالعه‌ی میراث به‌یادگارمانده‌ی نسل‌هایی است که از هزاران سال بدین سو تا کنون زیسته‌اند و در کنار میراث‌های تاریخی مستندات تصویری نیز از آن‌ها به‌یادگار مانده است. بحث محافظت از میراث‌های به‌جامانده‌ی تاریخی تنها به نخبگان جامعه ارتباط ندارد، بلکه پاسداری از میراث تاریخی ملی به فرد-فرد شهروندان یک جامعه حتی به فقیرترین عضو آن نیز ربط می‌گیرد، زیرا میراث‌های تاریخی شکل‌دهنده‌ی هویت، آینده‌ی فرهنگی و حتی در بسیاری موارد سبب استقرار صلح میان اجزای

یک ملت شده است. با این حال، سال‌های طولانی اشغال، جنگ‌های داخلی و تروریسم در افغانستان آسیب‌های جبران‌ناپذیری را متوجه میراث‌های تاریخی کشور کرده است. در این میان به گونه‌ی مثال می‌توان از غارت گنجینه‌های تاریخی موزیم ملی کابل، تخریب بودای بامیان، ارگ هرات و شمار دیگر از آبدات تاریخی در بخش‌های دیگر کشور چه از دوره‌های قبل از اسلام و چه دوره‌ی اسلامی نام برد که در مواردی براساس جهالت نابود شده و به یغما رفتند.

در این میان اقدامات و تلاش‌های استثنایی و شجاعانه‌ی برای حفظ و مرمت میراث‌های باستانی نیز صورت گرفته است. به گونه‌ی مثال شریک ساختن تجربیات در قسمت حفظ و نگهداشت این میراث‌ها که بسیار ارزشمند می‌باشد و همان ارزش بازسازی میراث‌های تاریخی را داشته‌اند که به‌عنوان نمونه می‌توان از هماهنگی با بنیاد آقاخان در راستای مرمت و بازسازی آبدات تاریخی نام گرفت. همچنان اقدام اخیر در قسمت بازسازی قصر دارالامان که یکی از بناهای تاریخی کشور می‌باشد و بازسازی آن زیر نظر وزارت شهرسازی آغاز گردیده است نام برد.

این نکته را نباید فراموش کرد که امروزه تخریب آثار باستانی همانند گذشته نتیجه‌ی جنگ‌ها نیست؛ جنگ‌هایی که به گونه‌ی مثال افغانستان با بریتانیا در قرن ۱۹ میلادی و همچنان برضد شوروی در قرن ۲۰ میلادی تجربه کرد و سبب گردید به آثار تاریخی این کشور آسیب‌های زیادی وارد گردد. در حال حاضر این گروه‌های تروریستی‌اند که میراث‌های فرهنگی را تهدید می‌کنند. آن‌ها می‌خواهند با تخریب آثار

باستانی، تاریخ بشریت را نابود کنند و به اهداف آخرالزمانی خود برسند و همچنان یک تاریخ تخریف شده را برجای بگذارند. این گروه‌ها اما تنها میراث‌های باستانی را تخریب نمی‌کنند؛ آن‌ها در همدستی با شبکه‌های مافیایی دیگر دست به قاچاق آثار تاریخی از طریق کشورهای همسایه می‌زنند که در نتیجه این آثار از بازارهای هنری بین‌المللی سر بیرون می‌آورند. این گروه‌ها این گنجینه‌های تاریخی را می‌فروشند تا از این طریق عملیات‌های تروریستی خویش را حمایت مالی کنند. این رویکرد شبیه عملی است که این گروه‌ها در ساحات تحت کنترل‌شان در مورد منابع طبیعی انجام می‌دهند.

در کنفرانس اوبوسی نمایندگان کشورهای مختلف به تاریخ دوم و سوم ماه دسامبر از سراسر جهان گرد هم آمدند. آن‌ها تلاش کردند چشم‌انداز مشترکی را در مورد این‌که چگونه می‌توان از تخریب میراث‌های تاریخی جلوگیری کرد با یک دیگر شریک ساختند؛ چشم‌اندازی که حاوی راهکاری مبنی بر مراقبت از میراث‌های تاریخی در زمان صلح بود، و این طرح را که چگونه در زمان جنگ و بی‌ثباتی به مراقبت از این آثار پردازند و در آینده نیز از آن‌ها محافظت کنند در برمی‌گرفت. علاوه بر این در این نشست این نمایندگان چشم‌اندازهای را جست‌وجو کردند که چگونه محافظت و بازسازی از ساحات تاریخی را به بررسی می‌گیرد. چنانچه این روش در آینده نیز ادامه پیدا کند که برگزاری گفتمان‌ها در این مورد را نیز در بر داشته باشند. در نتیجه، این گفت‌وگوها باید همکاری بخش‌های خصوصی و بسیج افکار و دیدگاه‌های عمومی را در قبال داشته باشند.

دو پیشنهاد روی میز قرار داشت

نخست ایجاد یک بنیاد مالی بین‌المللی که بتواند همبستگی و انسجام جهانی را در راستای نجات و حفاظت از آثار و مناطقی که در معرض خطر قرار دارند و همچنین احیای این آبدات در صورتی‌که در گذشته خساره دیده باشند مساعد نماید. همچنان بنیاد متذکره می‌تواند به افراد مسلکی از بهر مرمت دوباره‌ی میراث‌های تاریخی آموزش دهد و سبب بسیج بخش‌های خصوصی و عامه گردد.

از سوی دیگر به‌وجود آوردن یک شبکه‌ی بین‌المللی از کشورها که بتواند امکان امن را برای محافظت از گنجینه‌های در معرض خطر فراهم سازند: هدف از ایجاد این شبکه، آماده‌گی‌های پیشگیرانه، تنظیم و انتقال آثار به کشورهای امن می‌باشد. قدم بعدی فراهم کردن شرایط برای نگهداری و سرانجام بازگشت این آثار به کشورهای اصلی خواهد بود. بدین منظور کشور فرانسه در شهر لیون در شمال این کشور و در نمایندگی موزیم لوور مکان مطمئنی را برای نگهداری از این آثار پیشنهاد نمود.

هیات باستان‌شناسی فرانسه (DAFA) در حال حاضر با دولت افغانستان روی برنامه‌ی مبنی بر ترسیم نقشه‌ی دیجیتالی از ساحات باستانی افغانستان کار می‌کند که این اقدام با ابتکار رییس‌جمهور افغانستان محمد اشرف غنی روی دست گرفته شده است. این نقشه‌ی دیجیتالی از ساحات باستانی افغانستان در نوع خود بی‌نظیر بوده و در حفاظت از ساحات متذکره سهم ارزنده‌ی خواهد داشت.

فرانسه آرزومند است که در هماهنگی نزدیک با همکاران افغان خود برای موفقیت این برنامه و فراتر از این موضوع محافظت از میراث تاریخی هزار ساله و معاصر افغانستان کار نماید. در پایان حمایت و پشتیبانی مردم و نخبگان افغانستان در این راستا یک امر مهم و بنیادی پنداشته می‌شود، زیرا میراث تاریخی به‌یادگارمانده مربوط مردم افغانستان می‌شود؛ همچنین این مربوط به سیستم آموزشی افغانستان است تا مردم را از اهمیت و ارزش این موضوع آگاه ساخته و آن را برای نسل‌های جدید انتقال دهد.

آثار فرهنگی و تاریخی طی چند سال گذشته صورت گرفته است، اما هنوز آثار فراوانی در گوشه و کنار کشور وجود دارند که در معرض نابودی‌اند. عملکرد دولت در این راستا بسیار ضعیف است و همین مساله باعث شده بخش عمده‌ی آثار باستانی افغانستان، به‌شکل طبیعی و بدون مداخله‌ی گروه‌های درگیر جنگ به‌خصوص گروه‌های تروریستی از بین بروند. فراتر از این بی‌ثباتی‌های سیاسی در کشور این نگرانی‌ها را کماکان زنده نگاهداشته است که در صورت پیشروی گروه‌های تروریستی، مناطق بیشتری در معرض تهدید آنان قرار گیرند و بدین ترتیب بخش عمده‌ی آثار باستانی کشور به‌دست آنان نابود گردند.

به نظر می‌رسد که دولت افغانستان به‌تنبهایی از عهده‌ی مراقبت از میراث‌های فرهنگی کشور بر نمی‌آید. در کنار دولت باید مردم نیز بسیج شوند و مردم در مناطق زندگی‌شان، در نگهداری و تامین امنیت آثار باستانی و تاریخی سهم بگیرند. در کنار این، جامعه‌ی بین‌المللی و نهادهای خارجی، می‌توانند در بخش حمایت‌های مالی از این آثار، کمک کنند و این آثار را از نابودی جدی برهانند. طبیعی است که دولت افغانستان باید در گام نخست تلاش‌های بیشتری را برای بسیج مردم و هماهنگی‌های بین‌المللی در جهت محافظت و نگهداری از آثار باستانی کشور، انجام دهد.

## سایه‌ی سنگین جنگ بر میراث‌های تاریخی افغانستان

### عرفان مهران

آثار باستانی در کشورهای درگیر جنگ پیدا شود. در این نشست، وضعیت آثار باستانی در افغانستان نامطلوب خوانده شده که باید توجه بیشتری بر آن صورت گیرد.

افغانستان از یک‌طرف دارای آثار باستانی و فرهنگی زیاد می‌باشد، از طرف دیگر سال‌های طولانی است که درگیر منازعات مسلحانه می‌باشد. وجود جنگ‌های متواتر و فعالیت گروه‌های تروریستی در این کشور یک خطر جدی برای این آثار ارزشمند تاریخی پنداشته می‌شوند. این واقعیت اکنون برای همگان محرز است که جنگ و ناامنی می‌تواند به‌سادگی تمام داشته‌های یک ملت را نابود کند. افغانستان از این لحاظ آسیب‌های زیادی را متقبل شده است و در جریان جنگ‌های جاری در کشور، شمار قابل توجهی از میراث‌های فرهنگی و تاریخی این کشور یا نابود شده‌اند و یا هم به گونه‌ی جدی تخریب گردیده‌اند.

تروریسم بیش از گروه‌های دیگر در حال منازعه، تهدیدی برای میراث‌های فرهنگی یک کشور

محسوب می‌شود. ایدئولوژی افراطی و ضد انسانی تروریسم، در پی تخریب و نابودی میراث‌های فرهنگی کشورها می‌باشد و جنگجویان آن در هرکجا که دست‌شان رسیده است، از این کار دریغ نکرده‌اند. در کشورهای عراق و سوریه، داعش ده‌ها اثر فرهنگی و تاریخی را نابود کرده است و قصد نابودی شمار بیشتر این آثار را دارد. در افغانستان نیز طالبان در زمان حاکمیت خود، مجسمه‌های ارزشمند بودا را در بامیان منفجر کردند و این موضوع شوک بزرگی را در افکار جهانیان ایجاد کرد. جهان پس از آن نگران از بین رفتن آثار باستانی در کشورهای درگیر جنگ شدند که گروه‌های تروریستی بخش عمده‌ی آثار باستانی در کشورهای سوریه، عراق و افغانستان را به شکل بی‌رحمانه‌ی نابود کردند. با توجه به گسترش قلمرو فعالیت‌های تروریستی در جهان نگرانی از تخریب آثار باستانی در یک مقیاس وسیع‌تر، بیشتر و بیشتر می‌شود. با وجود کارهایی که در جهت بازسازی و مصنویت

**تغییر در سیستم اخذ تکت آریانا**

**داریانا افغان هوایی شرکت**  
ARIANA AFGHAN AIRLINES

- 1 مسافین محترم آریانا می‌توانند هر قدر که تکت های خود را از قبل خریداری نمایند، قیمت نازل تر را بدست آورند.
- 2 سهولت انتخاب سیت برای مسافین محترم در هنگام خرید تکت ها بوجود آمده، که مسافین محترم می‌توانند هنگام خرید تکت ها، سیت های خویش را نیز انتخاب نموده و قید نمایند.
- 3 شرکت های سیاحتی می‌توانند برای مسافین گروپی خود قیمت نازل تر را نسبت به قیمت اصلی در سیستم بدست بیاورند.